نگاه

گرانی در کمین کالاهای اساسی

حمید حسینی
عضو اتاق بازرگانی ایران

● با مصوبه اخیر کمیسیون تلفیق که نرخ دلار را دوهزار و ۴۵۰تومان تصویب کرد، خودبه‌خود ارز مرجع از چرخه اقتصاد کشور حذف شد. حذف ارز مرجع نه از روی خواست بلکه بر اساس اجبار در دستور کار مسوولان قرار گرفت. کشور در سال‌های اخیر در شرایطی قرار گرفت که چاره‌ای جز این باقی نماند زیرا دولت برای تامین مخارج خود نیاز به افزایش نرخ ارز داشت. حذف ارز مرجع چند اثر منفی بر اقتصاد ایران و وضعیت معیشتی افراد دارد. یکی از مهم‌ترین تبعات منفی این تصمیم افزایش قیمت کالاهای اساسی است که پیشتر با ارز هزار و ۲۲۶تومانی وارد کشور می‌شد. در مورد کالاهای دیگر افزایش قیمتی نخواهیم داشت زیرا این گروه از کالاها از سال گذشته یا با نرخ ارز مبادله‌ای دوهزارو۵۰۰تومانی وارد می‌شدند یا ارز آنها از طریق بازار آزاد تامین می‌شد. حالا با حذف ارز مرجع دیگر کالایی با دلار هزار و ۲۲۶تومانی وارد کشور نمی‌شود و از این پس شاهد افزایش قیمت‌ها در این بخش خواهیم بود. برای نمونه افزایش ۶۰درصدی قیمت گوشت در روزهای اخیر به این دلیل رخ داد که واردات این کالای اساسی که در گذشته با ارز هزار و ۲۲۶تومانی انجام می‌شد از سال‌جاری با دلاری حدود دوهزار و ۵۰۰تومان انجام و همین موضوع باعث افزایش ناگهانی قیمت گوشت در کشور شد. این افزایش قیمت در مورد کالاهای دیگری هم رخ خواهد داد. در آینده‌ای نزدیک شاهد رشد قیمت کالاهای غذایی مانند مرغ و انواع دام هم خواهیم بود زیرا از این پس خوراک دام و طیور هم با ارز مبادله‌ای خریداری و وارد کشور می‌شود. دارو هم از این پس ارز مرجع نمی‌گیرد. این به معنی افزایش قیمت تمامی داروها در سال‌جاری است. به نظر می‌رسد علاوه بر افزایش قیمت کالاهای اساسی و دارو، قیمت دلار در بازار آزاد هم با افزایش همراه شود. بازار سرمایه و ملک نیز تحت تاثیر حذف ارز مرجع قرار می‌گیرند. تمامی اینها شتاب تورم را افزایش می‌دهند و معیشت دهک‌های کم‌درآمد جامعه را دشوارتر از قبل می‌کنند. البته مجلس سعی داشت از طریق کوپن از این قشر ضعیف حمایت کند که در صورت اجرایی نشدن این تصمیم فشار بر اقشار کم‌درآمد بیشتر از قبل می‌شود.

پرسه

دولت در واکنش به کاهش اعتبارات اجرای هدفمندی در مجلس اعلام کرد

تغییرات اساسی در روند اجرای هدفمندی یارانه‌ها

● **ایسنا:** معاون بودجه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی با اشاره به کاهش ردیف مربوط به هدفمندسازی یارانه‌ها در لایحه بودجه تصریح کرد: «هنوز ابعاد موضوع و میزان یارانه نقدی مشخص نیست و در صورت تصویب این رقم در صحن علنی، شاهد تغییرات اساسی در اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها خواهیم بود.» او با بیان اینکه در جلسه روز گذشته کمیسیون تلفیق بودجه ۹۲ مجلس شورای اسلامی، اعتبارات مربوط به اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها با کاهش ۷۰هزارمیلیاردتومانی تصویب شد، اظهار کرد: «در لایحه بودجه سال ۹۲ درآمد ۱۲۰هزارمیلیاردتومانی را برای اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها پیشنهاد داده بودیم اما روز گذشته در کمیسیون تلفیق رقم ۵۰هزارمیلیاردتومان به تصویب رسید.»وی افزود: «از درآمد ۱۲۰هزارمیلیاردتومانی پیشنهادشده ۹۰هزارمیلیاردتومان برای پرداخت یارانه نقدی، ۱۵هزارمیلیاردتومان برای تولید و همچنین ۱۵هزارمیلیاردتومان برای کمک به طرح‌های عمرانی و هزینه‌های جاری که عمدتا مربوط به حقوق کارکنان می‌شد، در نظر گرفته شده بود.»

معاون بودجه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری تاکید کرد: «با وجود طولانی‌شدن بحث و ارایه توضیحات در ابعاد مختلف و آثار اقتصادی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و شیوه اجرا، در نهایت کمیسیون تلفیق مبلغ ۵۰هزارمیلیاردتومان را تصویب کرد.»ممبینی با بیان اینکه هنوز ابعاد موضوع باز نشده است، تصریح کرد: «در واقع مشخص‌نشده که چه میزان به پرداخت یارانه نقدی، بودجه دولت و تولید اختصاص یابد و چگونگی آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی نیز مشخص نیست.»وی افزود: «بنا به قانون هدفمندی یارانه‌ها ۳۰درصد از منابع مربوط به هدفمندسازی یارانه‌ها برای بخش تولید، ۲۰درصد کمک به بودجه دولت و ۵۰درصد برای پرداخت اقشار باید هزینه شود.»معاون بودجه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری تاکید کرد: «هنوز چگونگی اجرای گام دوم قانون هدفمندسازی یارانه‌ها و میزان پرداخت یارانه نقدی مشخص نیست.»ممبینی در پایان با تاکید بر اینکه باید بر روی این رقم تجدیدنظر شود اضافه کرد: «اگر بنا باشد قانون هدفمندسازی یارانه‌ها با این منابع اجرا شود تغییرات اساسی در روند اجرای آن ایجاد خواهد شد.»

عضو هیات مدیره انجمن اقتصاد انرژی در گفت‌وگو با «شرق»:

«بالادست» نفت قابلیت خصوصی‌سازی ندارد

حضور بخش خصوصی در نفت با توجه به تجربه اجرای تجدیدنظر در اصل ۴۴ یک ابهام کلی دارد. واگذاری ناکام شرکت‌هایی چون «پتروپارس» و «پترو ایران» نشان داد که مقاومت دولت در برابر این تغییرات بالاست. از طرفی دیگر با رفتن شرکت‌های خارجی حضور شرکت و نهادهای ایرانی در بالادست نفت مورد توجه قرار گرفته تا جایی که حتی قراردادهای مشارکت در تولید مورد توجه وزارت نفت قرار گرفته است و با شرکت‌های خارجی به گفته نفتی‌ها مذاکرات شروع شده است اما به گفته کارشناسان مشکل این روزهای نفت قالب‌های حقوقی نیست و شرکت‌های خارجی بنا به دلایل دیگر از حضور در نفت ایران طفره می‌روند. با این حال پیش‌بینی می‌شود تجدیدنظر در قالب قراردادهای نفتی منجر به حضور بخش‌های غیردولتی در بالادست نفت شود. در این خصوص و حضور بخش خصوصی در نفت نظرگاه دکتر «عباسپور» خواندنی است.

عکس: Reuters

آقای دکتر اجازه دهید به‌عنوان نخستین پرسش از پیشینه نفت و نقش درآمدهای نفتی در ساماندهی اقتصادی دولت در ایران بپرسیم؟

شرکت ملی نفت در آن روزگار تحت مدیریت وزارت دارایی اداره می‌شد و سازمان برنامه با عنوان وزیر مشاور در دولت حاضر بود. در حکومت پیشین شش برنامه توسعه تنظیم شده بود و در طراحی و تامین هزینه‌های این برنامه این دو وزارتخانه نقش اصلی را ایفا می‌کردند. از تاسیس اوپک و افزایش قیمت نفت، دولت ایران با جهش درآمدی مواجه شد. آنچنان دولت حتی به سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر مثل مصر و آلمان و پاکستان مبادرت کرد. کل فرایند اکتشاف و استخراج در دوران شاه در انحصار شرکت ملی نفت بود. در آن دوران پیمانکار خصوصی ایرانی به‌جز مواردی معدود که بیشتر به واسطه‌گری می‌پرداختند به شکل کامل در این فرآیند غایب بودند. پس از انقلاب چند حادثه روی داد. در دوره ریاست‌جمهوری مقام معظم رهبری، سیستم نخست‌وزیری نقش مستقیم در برنامه‌ریزی داشت و سازمان برنامه در توزیع درآمدهای نفتی نقشی به‌سزا داشت. در مقطعی از آن دوران تصمیم بر تشکیل شورایی به نام شورایعالی انرژی گرفته شد که متاسفانه به دلیل برخی اختلافات این شورا هیچ‌گاه تشکیل نشد. عمده اختلافات میان وزارت نفت، وزارت نیرو و سازمان برنامه بود، چون هر یک از اینها می‌گفتند که سیاستگذاری‌های کلان خود را داریم. در دوره آقای هاشمی وزارت نفت قدرت بیشتری پیدا کرد، به نحوی که وزارت نفت هزینه‌های خود را از محل درآمدهایش تامین می‌کرد و سازمان برنامه در توزیع درآمدهای نفتی ایفای نقش می‌کرد. یکی از بحث‌های مهمی که در مسایل اقتصادی مربوط به نفت همیشه مطرح بود هزینه‌های وزارت نفت از محل درآمدهای حاصل از فروش نفت بود.

همان بحث معروف بهره مالکانه؟

بله. در مقطع آقای خاتمی سازمان برنامه نسبت به این موضوع معترض بود زیرا معتقد بودند که این وزارتخانه باید تمامی درآمدهای نفتی را به خزانه واریز کند و مثل سایر وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و موسسات دولتی بودجه داشته باشد. به دلیل قدرت گرفتن سازمان برنامه، وزارت نفت در دولت آقای خاتمی متقاعد به ارایه بودجه شفاف به سازمان برنامه شد.

در سال‌های پایانی دولت اصلاحات، بحث درآمدهای گازی هم آغاز شد. در این حوزه چه تحولاتی روی داد؟

در سال‌های پایانی دولت اصلاحات، بحث‌های مربوط به گاز هم به بحث نفت اضافه شد. به هر حال تلاش‌های دولت در سرمایه‌گذاری‌ها در میادین گازی، فازهای متعدد در عسلویه تقریبا به بار نشسته بود. در آن مقطع مقام معظم رهبری دستور دادند که سیاست‌های کلان نظام در حوزه گاز در مجمع تشخیص تدوین شود که فکر می‌کنم این بحث در مجمع تا ابتدای دولت نهم ادامه یافت. در آن مقطع سازمان برنامه نسبت به آن معترض بود چرا که سازمان مدعی بود که باید این سیاست‌ها در آنجا تنظیم شود و در نهایت محصول کار جهت اطلاع در اختیار مجمع قرار گیرد. به این ترتیب آن جلسات از رونق افتاد. قرار بود که این سیاست‌ها ظرف چهار یا پنج ماه در سازمان برنامه تدوین شود که این مساله با انحلال شوراها و سازمان مدیریت مواجه شد. بنابراین در این هشت سال آخر سیاست‌های کلان و بلندمدت در حوزه انرژی نداشتیم.

اجازه دهید کمی فراتر برویم و در مورد مساله خصوصی و امکان تعمیم آن به بخش نفتی با توجه به ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بپردازیم. آیا به نظر شما امکان خصوصی‌سازی صنایع نفتی وجود دارد؟

ببینید اساسا اینکه سیاست کلی اصل ۴۴ اجرا شده یا نشده خود جای سوال دارد. من معتقدم که اجرا نشده. در برخی واگذاری‌ها مدیریت دولتی باقی مانده است. متاسفانه یکسری واگذاری‌های واقعی صورت گرفته که البته همه ما در جریان کیفیت آن واگذاری‌ها هستیم. برخی دیگر از واگذاری‌ها به نام خصوصی‌سازی انجام شده که اساسا این‌طور نبوده است بنابراین در عمل به معنای آزادسازی و خصوصی خیلی اتفاق خاصی نیفتاده است. در این شرایط سوال این است که آیا بستر و زمینه‌های لازم برای حضور بخش خصوصی واقعی فراهم شده است یا نه؟ در حوزه‌های مختلف اقتصادی شما نگاه کنید. آیا شرکت‌های واقعا خصوصی از فرصت برابر برای رقابت با شرکت‌های وابسته به نهادهای نظامی برخوردار هستند؟ خب در این شرایط آیا می‌توان از حضور بخش خصوصی در حوزه نفت، مثلا در بحث اکتشاف که بسیار پرهزینه و پرریسک است، صحبت کرد؟ من فکر می‌کنم اگر واقع‌بین باشیم. باید بگوییم که چنانچه دولت از یک سو دخالت خود را محدود به سیاستگذاری‌های کلان کند و از سوی دیگر در بخش‌های پایین‌دست‌تر مثل پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها فضا و بستر مناسب را برای حضور بخش خصوصی آماده کند ما به مرور زمان شاهد بالندگی در این بخش خواهیم بود. در فعالیت‌های بالادستی پرهزینه همچنان حضور دولت الزامی است اما در بخش‌های پایین‌دست باید این حضور محدود به سیاستگذاری باشد.

اما اینگونه به نظر می‌رسد که از هم‌اکنون زمینه‌هایی برای حضور بخش خصوصی در بخش‌های بالادست به وجود آمده؟

بله. شرکت ملی نفت الان پیمانکاران دیگر را وارد کار کرده است. مثلا بنیاد مستضعفان یا شرکت غدیر با توجه به امکانات مالی‌ای که در اختیار دارند هم‌اکنون وارد بحث اکتشاف شده‌اند. با این حال اما بحث اکتشاف تنها محدود به توانایی مالی نیست. بحث‌های فنی و توانایی تکنولوژیک هم مطرح است. متاسفانه در حال حاضر شرکت‌های ایرانی به لحاظ دانش فنی و تکنولوژیک هنوز از توانایی بالایی برخوردار نیستند. در نهایت در حوزه‌های بالادستی امکان حضور بخش خصوصی چندان میسر نیست ولی با توجه به حجم کمتر سرمایه‌گذاری در صنایع پایین‌دست مثل پالایش و پخش، پتروشیمی و... این حضور شدنی است.

پس با این شرایط برای حضور بخش خصوصی در بخش انرژی باید بیشتر از اینها صبور باشیم. در سایر بخش‌ها مثل صنعت برق شرایط را چطور ارزیابی می‌کنید؟

ببینید در سایر حوزه‌ها جای کار بسیار داریم. در حال حاضر در دنیا سیاست‌های موسوم به ۲۰۲۰ مطرح است. به این ترتیب که اتحادیه اروپا تصمیم دارد تا سال ۲۰۲۰ میلادی در چند حوزه به صرفه‌جویی‌های ۲۰درصدی دست پیدا کند. مثلا در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، انرژی و تکنولوژی. در این سه حوزه به‌شدت در حال کار کردن هستند در حالی که ما عقب هستیم. البته کارهایی در حوزه انرژی تجدیدپذیر انجام شده. مثلا در دوران خاتمی مجوز حضور بخش خصوصی در بخش تاسیس نیروگاه‌های بادی صادر شد. از همان موقع با توجه به تعرفه‌ای که از سوی دولت برای خرید برق از نیروگاه‌ها تعیین شده بود مشخص بود که صرفه اقتصادی برای حیات بخش خصوصی در این بخش بسیار ناچیز است که در نتیجه رایزنی‌ها در دولت بعدی این تعرفه‌ها افزایش یافت. به این ترتیب بخش خصوصی واقعی وارد کار شد. حتی بخش خصوصی خارجی مثلا از چین وارد کار شدند که این بحث هم متاسفانه با وقوع بحران ارزی در کشور متوقف شد. چون در این شرایط بازگشت سرمایه با این قیمت ارز مدت زمانی طولانی‌تر، در حد ۱۲ سال، یافت. از این رو روش منطقی قیمت‌گذاری سیال است. به نحوی که نوسانات اقتصادی به بخش خصوصی لطمه وارد نکند. با ارز فعلی ورود بخش خصوصی به بخش تولید برق هم صرفه ندارد. هر کیلووات تولید برق ۵۰۰ دلار هزینه دارد. در این شرایط بخش خصوصی دچار مشکل خواهد بود.

واگذاری شرکت خدمات هواپیمایی ویژه کشاورزی به شهرداری

آتش‌نشانی جنگل‌ها تعطیل شد

فرزانه طهرانی: شرکت خدمات هواپیمایی ویژه کشاورزی که برای مقاصدی چون مهار آتش‌سوزی جنگل‌ها و منابع طبیعی و همچنین سم‌پاشی مزارع مورد استفاده قرار می‌گرفت از تحت مالکیت وزارت جهادکشاورزی خارج شد.

وزارت جهادکشاورزی که در دولت دهم عزم خود را برای خصوصی‌سازی و اجرایی کردن اصل ۴۴ قانون اساسی جزم کرده بود، علاوه بر آنکه بزرگ‌ترین و تاریخی‌ترین دارایی خود یعنی ساختمان شیشه‌ای خود واقع در بلوار کشاورز را نه به بخش خصوصی که به قوه قضاییه واگذار و کشاورزان و باغداران را برای مراجعاتشان به پایتخت، سرگردان کرد، حالا با همین توجیه و بهانه به ضروری‌ترین و کوچک‌ترین دارایی بخش نیز رحم نکرده و آن را هم به شهرداری قزوین واگذار کرده است. شرکت هواپیمایی خدمات ویژه که سال‌ها مورد بی‌مهری بخش کشاورزی قرار گرفته بود به گفته خیلی‌ها این روزها از دست وزارت جهادکشاورزی نجات پیدا کرده است و گویا خود هواپیمایی‌ها هم به شدت از این واگذاری راضی هستند.

دولت برای نوسازی ناوگان خرجی نمی‌کرد

«علی بازوند» مدیرعامل سابق شرکت هواپیمایی خدمات ویژه به «شرق» می‌گوید: کار بسیار خوبی کردند. این اتفاق برای ادامه حیات این شرکت حیاتی بود چرا که دولت دیگر توانایی اداره این شرکت را نداشت و سال‌های سال بود که دیگر برای نوسازی و نگهداری هواپیماها هزینه‌ای نمی‌کرد. در واقع تنها راه نجات این شرکت هواپیمایی واگذاری به بخش خصوصی بود که اکنون با واگذاری آن به شهرداری، نوسازی و هزینه نگهداری و توسعه شرکت فراهم می‌شود چرا که شهرداری توانایی و کشش به دوش کشیدن مخارج آن را دارد. اگرچه این واگذاری، هواپیمایی‌ها را ذوق‌زده کرده اما جای این پرسش باقی است که در مواقع بروز بحران در بخش کشاورزی مثل آتش‌سوزی‌های گسترده در جنگل‌ها و مزارع و منابع طبیعی یا حمله گسترده ملخ‌ها به مزارع چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا دولتی‌ها می‌توانند بخش خصوصی را در زمان بحران مجبور به ارایه خدمات کنند؟ هولناکی این ماجرا زمانی قابل لمس‌تر خواهد بود که بدانیم هرساله هکتارها جنگل و منابع طبیعی ایران بر اثر نداشتن برنامه مدون و اقدامات به موقع در آتش ازبین می‌روند و پوشش سبز کشور خشک‌مان را فقیرتر می‌کنند. آمارها نشان می‌دهد که در ۱۰سال گذشته حدود ۱۳هزار و ۸۳۲ مورد آتش‌سوزی در جنگل‌های کشورمان رخ داده که به موجب آن، ۱۴۲هزار و ۹۴۱ هکتار از وسعت منابع طبیعی‌مان از بین رفته است.

بهره‌برداری تفریحی اولویت جدید هواپیماهای سم‌پاش

حالا شهرداری، صاحب اختیار این هواپیماهاست. اکنون مالک می‌خواهد این هواپیماها را برای مقاصد تفریحی اجاره دهد و معلوم نیست اگر در زمان اجاره این هواپیماها، منابع طبیعی و مزارعمان گرفتار آتش‌سوزی شود چه اتفاقی رخ می‌دهد و چه کسی پاسخگوی بربادرفتن سرمایه‌های تولیدی و ثروت‌های منابع طبیعی‌مان خواهد بود؟ اما چیزی که مسلم است آنکه شهرداری هرگز به عنوان نهاد پاسخگو در برابر این اتفاقات شناخته نخواهد شد. اکنون مدتی است که بخش کشاورزی آن شرکت کوچک و جمع‌وجور هواپیمایی خود را به شهرداری واگذار کرده است تا شهرداری قزوین از آن به‌عنوان یکی از امکانات تفریحی شهروندان و در نهایت بهره‌برداری در فضای سبز شهری استفاده کند و این شرکت که برای کشاورزی مملکت و منابع طبیعی‌مان جزو یکی از ملزومات بی‌چون‌وچرا بود اکنون مورد استفاده شهرداری برای سرگرم‌کردن مردم واقع شود. از هواپیماهای شرکت خدمات ویژه هواپیمایی که حدود چهار دهه از تاسیس آن می‌گذرد مدت‌های مدید برای سمپاشی گسترده مزارع کشاورزی استفاده می‌شد؛ هواپیماهایی که علاوه بر این کار، برای مواقع اورژانسی مثل آتش‌سوزی‌های وسیع در مزارع، جنگل‌ها و منابع طبیعی پیش‌بینی شده بودند اما جهاد کشاورزی‌ها آنقدر زمزمه واگذاری آن را سر دادند تا سرانجام خلیلیان اقدام به فروش آن به شهرداری کرد.

مسوولان بی‌خبر

«عیسی کلانتری»، وزیر سابق کشاورزی به عنوان یکی از منتقدان وزیر دولت دهم می‌گوید: با توجه به اینکه آقای خلیلیان اطلاع اجرایی چندانی ندارد، این موضوع سبب شد همه امکانات وزارتخانه را از او بگیرند، شرکت خدمات هواپیمایی سمپاش که نقش آتش‌نشانی برای کشاورزی را بازی می‌کند یکی از این از دست‌رفته‌هاست.

بی‌اطلاعی مدیران بخش کشاورزی تا آنجاست که حتی مسوولان سازمان حفظ نباتات کشور از وجود این شرکت در زیرمجموعه جهادکشاورزی باخبر نیستند.

«رجبی» مشاور ریاست سازمان حفظ نباتات کشور در این‌باره در گفت‌وگو با «شرق» اظهار می‌کند: شرکت خدمات هواپیمایی سمپاش از اولش هم مایملک وزارت جهادکشاورزی نبود و به دولت تعلق داشت. دولت هم تصمیم گرفت در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش خصوصی یعنی شهرداری قزوین واگذار شود.

دولت توان تامین هزینه‌ها را نداشت

وی متذکر می‌شود: البته این اقدام، اقدامی بسیار شایسته بود چرا که دولت توانایی تامین هزینه‌های این شرکت را نداشت و نگهداری چنین جایی برای دولت، مستلزم صرف هزینه‌های بسیاری بود.

او به مزیت‌های فروش این هواپیماها به شهرداری اشاره کرده و خاطرنشان می‌کند: سمپاشی هوایی مزارع خیلی وقت است که در دنیا منسوخ شده است و اصلا توصیه نمی‌شود چرا که این کار صرف‌نظر از پرتی و هدررفت بالای سموم کشاورزی باعث می‌شود دشمنان طبیعی آفات نیز از بین بروند که این موضوع صدمه زیادی به بخش تولید و ثروت‌های طبیعی وارد می‌آورد. بنابراین وزارت کشاورزی که تا پیش از این از هواپیماهای سمپاش برای مبارزه با آفت «سن» مزارع گندم استفاده می‌کرد تصمیم گرفت روش‌های زمینی را جایگزین کند. اهمیت این موضوع به حدی بود که این وزارتخانه لایحه‌ای را نیز به هیات دولت برده و تصویب کرده مبنی بر اینکه استفاده از هواپیماهای سمپاش در مبارزه با آفات منابع طبیعی و جنگل‌ها ممنوع شود.

رجبی در واکنش به این پرسش که آیا وی به طور کل کاربری این هواپیماها را در بخش کشاورزی نفی می‌کند؟ گفت: البته ما برای کنترل آفت زنجره خرما در بم که بعد از زلزله در موقعیت ویژه‌ای قرار داشت از این هواپیماها استفاده کردیم اما آنها هنوز هم می‌توانند در برخی موارد مثل مبارزه با علف‌های هرز در جاهایی که امکان عملیات زمینی نباشد مورد استفاده قرار گیرند که در این مواقع شهرداری، هواپیماها را با حفظ کاربری در اختیار بخش کشاورزی می‌گذارد. برخلاف گفته‌های رجبی در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان، همکاری‌های منطقه‌ای برای اطفای حریق در عرصه‌های طبیعی شکل گرفته و حتی توافقنامه‌هایی بین کشورهایی در دو نیمکره متفاوت کره‌زمین به امضا رسیده است تا با توجه به تفاوت فصل‌ها در این دو نیمکره، امضاکنندگان توافقنامه بتوانند در شرایط اضطراری و لزوم از امکانات یکدیگر استفاده کنند. مشابه چنین گروه‌هایی، نخستین‌بار توسط ترکیه شکل گرفته است و برخی کشورهای همسایه نیز با آن هم‌پیمان شده‌اند اما کشور ما نه‌تنها در پیمان‌های مربوط به مقابله با حریق مشارکت نداشته که امکانات محدود راخود برای مقابله با آتش‌سوزی نیز واگذار می‌کند.

خداحافظی با خدمات ارزانقیمت

البته در شرایط واگذاری به شهرداری، به‌کارگیری هواپیماهای سمپاش در بخش کشاورزی دیگر به ارزانقیمتی گذشته نیست. مدیرعامل سابق شرکت هواپیمایی خدمات ویژه در این‌باره می‌گوید: خدمات این شرکت پس از واگذاری به شهرداری برای کشاورزان مستلزم هزینه بیشتری نسبت به گذشته است چرا که با واگذاری این هواپیماها به بخش خصوصی دیگر یارانه دولتی این خدمات برداشته می‌شود و بخش خصوصی نیز با احتساب هزینه‌کرد شخصی خود برای این هواپیماها نرخ نهایی را اعلام می‌کند. همه اینها در حالی است که تاکنون هیچ امکانات خاصی به کنترل حریق در عرصه‌های طبیعی اختصاص نیافته و یگان‌های حفاظت همچنان بدون تجهیزات به کار خود ادامه می‌دهند.

دریچه

مخاطرات قرارداد «مشارکت در تولید»

سیدغلامحسین حسنتاش

● در ابتدا لازم به یادآوری می‌دانم که نگارنده (بدون توجه به ابعاد قانونی و حقوقی مساله که در تخصص من نیست) از نظر فنی و اقتصادی، ستیزی با قراردادهای «مشارکت در تولید» نداشته و ندارم و این در نوشته‌های گذشته‌ام نیز منعکس است؛ بلکه برعکس معتقد بوده و هستم که با توجه به تفاوت و تنوع میادین نفت و گاز کشور و تفاوت‌های موجود در ریسک سرمایه‌گذاری بر روی آنها و یا مثلا با توجه به عملکرد رقبا در میادین مشترک، نمی‌توان یک نوع قرارداد را برای همه میادین کشور در نظر گرفت و بر این باورم که اگر صنعت نفت طرح جامعی برای توسعه میادین هیدروکربنی خود داشته باشد (که ندارد) و این طرح مبتنی بر مطالعات جامع میادین باشد، در همان طرح، میادین را از نظر تناسب با نوع قرارداد (خدماتی، مشارکتی یا امتیازی) دسته‌بندی می‌کند. علاوه‌براین بر این باور بوده و هستم که اگر دستگاه حاکمیتی، یعنی وزارت نفت که به نیابت از دولت، امر حاکمیت و مالکیت و صیانت از میادین هیدروکربنی را اعمال می‌کند، کار خود را بلد نباشد، در هر نوع قراردادی احتمال مغبون‌شدنش هست، البته در بعضی قراردادها میزان خسارت بیشتر و در بعضی قراردادها کمتر خواهد بود. در قراردادهای «مشارکت در تولید» دخالت سرمایه‌گذار یا طرف قرارداد که امر توسعه میدان هیدروکربنی به او واگذار شده است، در تصمیم‌گیری در مورد بهره‌برداری از میدان بیشتر است، طرف قرارداد در بهره‌برداری و تصمیمات مربوط به آن نیز دخالت دارد و دوره قرداد نیز بسیار طولانی‌تر از قرارداد «بیع متقابل» است؛ بنابراین اگر دستگاه حاکمیتی کارآزموده نباشد احتمال مغبون‌شدن بیشتر است. اما در شرایط حاضر سوال اساسی این است که اصولا چرا چنین بحث‌هایی مطرح می‌شود و چرا کسانی که دیروز مخالف این نوع قراردادها بودند، حالا طرفدار آن شده‌اند؟ در زمانی که شرکت‌های خارجی می‌آمدند و حاضر به سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران بودند، ادعای‌شان این بود که «قراردادهای مشارکت» در تولید، نسبت به «بیع متقابل» برای‌شان جذاب‌تر است؛ چراکه می‌توانند سهم نفت عایدی خود در طول قرارداد را به ارزش دارایی‌های خود اضافه کنند و از این طریق هزینه تامین مالی خود در سیستم مالی بین‌المللی را کاهش دهند. همچنین ادعا می‌کردند که با توجه به حضورشان در دوران بهره‌برداری، انگیزه خواهند داشت که چه در دوران توسعه و سرمایه‌گذاری و چه در دوران بهره‌برداری، جدیدترین فناوری‌ها را به‌کار گیرند تا هزینه‌های خود را کاهش داده و عایدی خود را افزایش دهند؛ اما امروز تمام شرکت‌های معتبر نفتی بین‌المللی اعم از هفت خواهران قدیم خصوصی تا «هفت‌خواهران» جدید دولتی (مثل شرکت‌های چینی) از ایران رفته‌اند و در عمل، حاضر به سرمایه‌گذاری نیستند. همان روز هم که شرکت‌های خارجی این حرف‌ها را می‌زدند معلوم نبود که واقعیت را می‌گویند یا به‌صورت طبیعی این حرف‌ها را برای چانه‌زنی و گرفتن امتیازات بیشتر در «بیع متقابل»ها مطرح می‌کنند، چراکه «بیع متقابل» هم متقابلا امتیازاتی نسبت به مشارکت در تولید برای ایشان داشت و خصوصا ریسک‌های آن برای ایشان بسیار کمتر از مشارکت بود. اما معلوم است آنچه امروز مطرح می‌شود در راستای مباحث گذشته و برای تسهیل جذب سرمایه خارجی نیست. امروز بعضی افراد، از فرصت تحریم‌ها استفاده می‌برند و تلاش می‌کنند در همه بخش‌ها حضور یابند و میخ خود را هم محکم بکوبند و عملی‌شدن «مشارکت در تولید»، ناخواسته، بستر مناسبی برای فعالیت آنان مهیا می‌کند. به غیر از این نکته، اگر مساله سرمایه‌گذاری خارجی باشد، دولت عراق در قراردادهای چند سال اخیر خود، با شرکت‌های خارجی نوع خاصی از قراردادهای خدماتی را ارایه کرد که امتیازات «مشارکت در تولید» هم در آن دیده شده و می‌توان از آن الگو گرفت. از آنانی که برای جایگزینی در صورت عدم موفقیت قرارداد «مشارکت در تولید» آماده شده اند باید پرسید آیا اصلا توان تامین مالی برای توسعه میادین و توان مانور در بازارهای مالی بین‌المللی را دارند که با استفاده از نوع قرارداد، آن را کم و زیاد کنند؟ آیا توان فنی توسعه میادین را دارند؟ مراکز توسعه فناوری ایشان در بخش بالادستی صنعت نفت کجاست؟ در امتیازاتی که در گذشته برای ورود به بخش بالادستی صنعت نفت به‌صورت پیمانکار یا به هر صورت دیگری گرفته‌اند، نتیجه کارشان چه بوده است؟ بدترین وضعیت این است که کارفرمایی که کار خود را هم خوب بلد نیست و توان کنترل و نظارت کافی هم ندارد با پیمانکار زورداتر از خود، قراردادی ببندد که او را در صدر بنشاند. میادین هیدروکربنی «انفال عمومی» هستند و دولت و وزارت نفت، تنها کارگزاران این عموم در صیانت از این میادین هستند و تحت هیچ شرایطی نباید حق ولی‌نعمتان خود را فراموش کنند و آن را با خواص شریک شوند.

م/الف/۲۳

شرکت پشتیبانی ساخت و تهیه کالای نفت تهران

نوبت اول

فراخوان مناقصه دو مرحله‌ای

شرکت پشتیبانی ساخت و تهیه کالای نفت تهران در نظر دارد نسبت به قطعات ULTRASONIC CEMENT ANALYZER مورد نیاز جهت استفاده در صنعت نفت از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای اقدام نماید. بدینوسیله از شرکتهایی که سابقه و توانایی ارائه پیشنهاد را دارند جهت شرکت در این مناقصه با توجه به شرایط ذیل دعوت بعمل می‌آید.

۱- شماره مناقصه: UCA.91-248
۲- موضوع مناقصه: خرید قطعات ULTRASONIC CEMENT ANALYZER
۳- مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: ۴۱/۶۸۲/۰۰۰ریال ضمانتنامه بانکی معتبر و قابل تمدید
۴- آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه: ۱۵ روز پس از انتشار آگهی دوم
مناقصه گران می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه صبح از ساعت ۹ الی ۱۲ و بعدازظهر از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ به آدرس تهران- خیابان سپهبد قرنی نبش خیابان شهید کلانتری شماره ۲۲۶ طبقه ۶ اطاق ۶۱۱ خرید خارجی- گروه G مراجعه نمایند.
۵- مهلت ارائه پیشنهاد: ۳۰روز پس از آخرین مهلت دریافت اسناد
۶- زمان گشایش پیشنهادات فنی: یک هفته پس از آخرین مهلت ارائه پیشنهاد
۷- مدت اعتبار پیشنهادات مالی: پیشنهادات مالی ارائه شده می بایست بمدت ۹۰ روز از تاریخ سررسید مناقصه معتبر باشند.
۸- برنده مناقصه می بایست ضمانتنامه حسن انجام کار معادل ۵ درصد مبلغ قرارداد را ارائه نماید.
۹- هزینه چاپ آگهی بعهده برنده مناقصه می باشد.

محل ارسال پیشنهادات: تهران - خیابان سپهبد قرنی - نبش خیابان شهید کلانتری شماره ۲۲۶ طبقه یازدهم- دفتر گشایش پیشنهادات (از طریق پست سفارشی).
جهت کسب اطلاعات بیشتر تلفن ۸۲۰۱۵۲۹۲/۸۲۰۱۵۲۹۵ آماده پاسخگویی میباشد.

روابط عمومی شرکت پشتیبانی ساخت و تهیه کالای نفت تهران